

گفتمان

کتابخانه: تازه‌های کتاب ایران

کنش سیاسی و تفکر



«تفکر به منزله کنش سیاسی» تازه‌ترین اثر بیژن عبدالکریمی به همت انتشارات نقد فرهنگ و با قیمت ۳۸ هزار تومان منتشر شد. عبدالکریمی در اثر جدید خود در پی این است که نشان دهد چگونه تفکر حکمی و فلسفی می‌تواند ما را در فهم مسائل مان و یافتن افق‌هایی حقیقی به

منظور مواجعه راستین با آنها یاری رساند و نیز از هدر دادن سرمایه‌های عظیم مادی و معنوی و امکانات تاریخی جلوگیری نماید. به این اعتبار، تفکر خودکنشی سیاسی در عمیق‌ترین و اثرگذارترین معنای کلمه است. عبدالکریمی می‌گوید: کنشگران سیاست‌زده و سیاست‌پیشه بی‌محابا شاعر می‌دهند، رجز می‌خوانند، تبلیغ می‌کنند، امید می‌بخشند و پیوسته از دردها و راه‌حل‌ها سخن گفته، جامعه را به سوی خویش دعوت می‌کنند، اما متفکران تنها به طرح پرسش می‌پردازند و جامعه، سیاست، سیاست‌پیشه‌گان و کنش‌گران اجتماعی را با این پرسش‌ها روی‌رو می‌کنند که آیا به‌راستی آنان فهم درستی از مسائل دارند؟ مبنای وعده‌ها و امیدهایشان چیست؟ چه ضمانتی برای تحقق شعارهایشان وجود دارد؟ آیا صرف خواست‌ها و حدیث‌های آرزومندی آنان می‌تواند مبنایی برای تحقق آرمان‌ها و ایده‌هایشان قرار گیرد؟ آیا برای تحقق آرمان‌هایمان نباید گوشه‌چشمی نیز به تاریخ و امکانات تاریخی مان داشته باشیم؟

کتابخانه: تازه‌های جهان کتاب

مردم‌نگاری اجاره‌نشینی



فقر یکی از مهم‌ترین مسائلی است که بشر در طی سال‌های تمدن کوشیده است بر آن فائق بیاید و بسیاری از انقلاب‌ها و همچنان شعار بسیاری از سیاستمداران رفیع فقر و تبعیض است. فقر نمودهای فراوانی دارد که اجاره‌نشینی به شکلی یکی از آنهاست. اما اگر کل گفتمان

غالب امروز درباره فقر سرپا نادرست باشد چه؟ اگر مسئله به عادت‌های اخلاقی آدم‌های فقیر، تبلی آن‌ها، بی‌فکری و فقدان ارزش‌های خانوادگی یا نداشتن مهارت‌ها و زیرکی متناسب با اقتصاد قرن بیست‌ویکم هیچ ربطی نداشته باشد چه؟ چه می‌شود اگر بدانیم که موضوع فقط این است که فقر برای گروهی دیگر از انسان‌ها سودآور است؟ اینها پرسش‌هایی است که متیو دزموند در پژوهش قوم‌نگارانه فوق‌العاده خود، «دریدرشد» به آنها پرداخته است. این قوم‌نگاری روی اجاره‌نشینان کم‌درآمدی انجام شده که در شهر متوسط و صنعت‌زدایی‌شده میلوکی در ایالات ویسکانسین زندگی می‌کنند. دزموند با بررسی شهر با لتری میکروسکوپی و متمرکز بر مسئله مسکن، به ما نشان می‌دهد که نظام مولد این درد و فقر چگونه ایجاد می‌شود و به چه شیوه ادامه می‌یابد.

Evicted: Poverty and Profit in the American city / Desmond, Matthew / Broadway Books

دک: مجلات تازه

علوم انسانی و کاربردی سازی



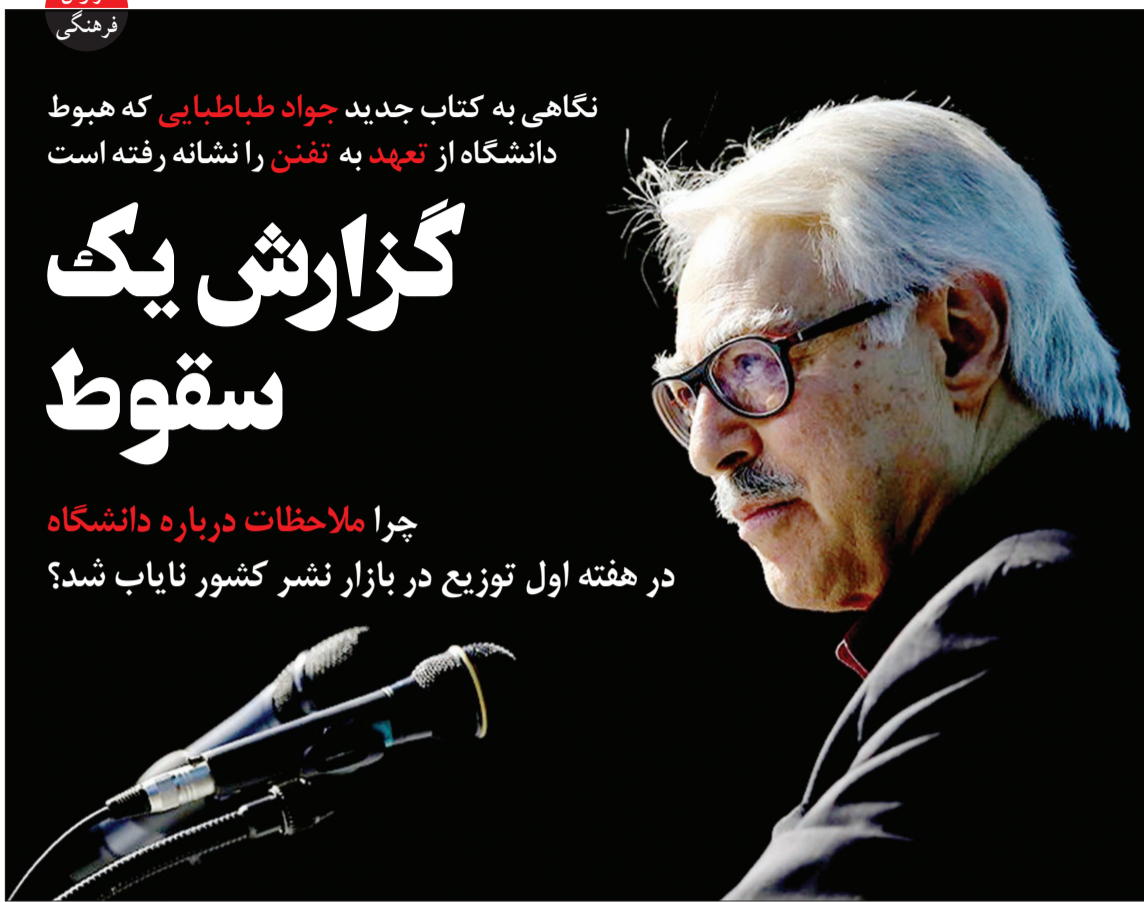
شماره ۱۵۱ فصلنامه اطلاعات حکمت و معرفت با عنوان «کاربردی‌سازی علوم انسانی» به دبیری احمد پورقاسم‌دهی و نغمه پروان وریزه‌تابستان ۱۳۹۸ منتشر شد. در بخش سخن دبیر این شماره می‌خوانیم: «از آنجایی که کاربردی‌سازی علوم انسانی از ابعاد گوناگون محتاج بررسی است، با توجه به مبانی و مقاصد مختلفی که برای آن متصور است می‌توان تعابیر مختلفی از آن ارائه کرد، در این ویژه‌نامه بنا داریم که نشان دهیم از اواخر قرن بیستم که نیاز به به‌کارگیری علوم انسانی به عنوان زیربنایی برای دیگر علوم و راهی برای به خدمت گرفتن آنها در جهت تربیت شهروندانی خوب و معنا دادن به زندگی فرد و جامعه احساس شد، چه گام‌هایی در جهت به‌کارگیری این علوم در زندگی انسانی برداشته شده است.» «فلسفه کاربردی چیست؟»، گفت‌وگوی احمد پورقاسم‌شادسی با پروفیسور دیوید آرچارد، معاون «انجمن فلسفه کاربردی» انگلستان و «کاربردی‌سازی علوم قرآنی در گستره کاربردی‌سازی علوم انسانی» گفت‌وگوی حسن باقریان با هادی وکیلی از جمله مطالب بخش اول این مجله است. مقاله «زبانی» به قلم جروم استالنتیز و ترجمه انشالله رحمتی نیز از جمله مطالبی است که در بخش دوم با عنوان اندیشه و نظر آورده شده است. این مجله با قیمت ۱۵۰۰۰ تومان در اختیار علاقه‌مندان قرار گرفته است.

گزارش فرهنگی

نگاهی به کتاب جدید جواد طباطبایی که هبوط دانشگاه از تعهد به تفنن را نشانه رفته است

گزارش یک سقوط

چرا ملاحظات درباره دانشگاه در هفته اول توزیع در بازار نشر کشور نایاب شد؟



همان‌طور که گفته شد، فصل نخست با عنوان «دانشگاه ایرانشهر» و فصل دوم با عنوان «دانشگاه بومی و دانشگاه ایرانشهر؛ تحلیل یک مورد» بخش‌های بدیع و مهم کتاب اخیر طباطبایی به شمار می‌رود. طباطبایی در فصل نخست مروری بر سیر تکوین دانشگاه در ایران، به انقلاب فرهنگی و تصرفات و مداخلات چهاردهه اخیر در دانشگاه اشاره می‌کند و در نهایت چنین نتیجه‌گیری می‌کند: «این وضع، این مداخله‌های بی‌رویه‌ای که در چند دهه اخیر مکرر شده است، در شرایطی چنین بحرانی در داخل و پر مخاطره در مناسبات خارجی نمی‌تواند ادامه پیدا کند. دانشگاه امری ملی است و ملک طلق هیچ گروه خاصی در کشور نیست که از هر جا بخواهند در آن درآیند. این دانشگاه ملی نیز ناظر بر حوزه‌های عمومی کشور است و هیچ عملی برای کشور و حتی گروه‌های سیاسی-اجتماعی کشور بدعایت‌تر از تصرف در حسن جریان امور نیست.» طباطبایی در پانویس همین پاراگراف پایانی، مورد تجفلی جیبی را به مثابه یکی از تصرفات زیان‌آور در دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران مثال می‌زند.

فصل دوم کتاب با عنوان «دانشگاه بومی و دانشگاه ایرانشهر» ناظر بر «تحلیل یک مورد» است و آن مورد هم شاگرد پیشین طباطبایی «داود فریحی» است که اکنون استاد دانشگاه تهران است. این فصل شامل تقد و رد سخنان فریحی در برنامه‌های تحت عنوان «نگاهی به آورده» و بایسته‌های داود فریحی در دانش سیاست» است که در آن فریحی حمله سختی به اندیشه ایرانشهری ترتیب داده بود. جواد طباطبایی در بخشی از این فصل و با اشاره به دریافت‌های نادرست فریحی از ماهیت نص و سنت در ایران و اروپا می‌نویسد: «به نظر من دیری است تا پرسند «نخبل ایرانی» بر بالای بام این استاد حوزه و دانشگاه لانه کرده است و با این خیالبافی‌هایی که من تنها به وجوهی از آن اشاره کردم بعید می‌دانم که کسانی بتوانند راهی باز کنند. کامیابش همه مقدماتی که فریحی آورده یکسر نادرست، غیرعلمی و جعلیات و خیالبافی‌های او فاقد هرگونه اهمیتی است. منظورم این است که دانش او نیز در حد علم بومی شده دانشگاه بومی است و اتلاف وقت و امکانات کشور برای بحث‌هایی که هیچ نتیجه‌ای از آن برای کشور حاصل نخواهد شد، اما این توهم را نیز ایجاد خواهد کرد که در حال پیشرفت هستیم و قبلی‌ها می‌کنیم.»

فصول دیگر این کتاب که شامل مقالاتی انتقادی است که پیش از این در نشریات سیاست‌نامه و فرهنگ امروز منتشر شده است، بدین شرح است: فصل سوم: خواهشا نظریه‌پردازان نکتید!، فصل چهارم: نمونه‌ای از «بومی‌سازی» در علوم اجتماعی، فصل پنجم: «تولید» علم بومی و زبان ملی، فصل ششم: کوشش‌های بی‌سابقه برای نابودی فرهنگ ملی، فصل هفتم: «اندیشه‌های سیاسی قرن بیستم» در مسلخ «سمت»، فصل هشتم: نعش بی‌جان جان لاک در دست غسالان، فصل نهم: اندر مناقب هگل به روایت کریم مجتهدی، فصل دهم: سوسو تقاهم با جهل، فصل یازدهم: دکان دو نبش در نشر بومی، فصل هوزدهم: ملاحظاتی درباره ترجمه اندیشه سیاسی، فصل سیزدهم: جهل دلیل نیست!، فصل چهاردهم: یک کلمه.

را ترک کرد و در کسوتی خودبنیاد به پیگیری طرح‌های پژوهشی خود در باب ایران و غرب مشغول شد. او در این میان موقعیتی غیردولتی تحت عنوان پژوهشگر آزاد پیدا کرد که به او اجازه می‌داد تا فارغ از نفع‌های دولتی و عمومی به نقد روشنفکرانه آنچه در حیطه فضای فکری کشور می‌گذرد نیز بپردازد. اینک در اواخر دهه نود طباطبایی دارای جایگاهی فراآکادمیک است که به او این توان را می‌دهد که به نقد فرمی و محتوایی دانشگاه از منظر علوم انسانی بپردازد. «ملاحظات درباره دانشگاه» حاصل این کوشش انتقادی است که در یک درآمد و چهارده فصل فراهم آمده است.

جواد طباطبایی در بخش درآمد که با عنوان «نکته‌هایی درباره انتحال» نام‌گذاری شده است، تمهیدی برای ورود به بحث اتخاذ می‌کند که نشان‌دهنده بی‌اعتباری و افر او به نهاد دانشگاه از منظر علمی در چهل سال اخیر است. طباطبایی در همان درآمد که بازنشر مقاله انتقادی او در واکنش به رسوایی علمی استنادتمام گروه فلسفه دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران است، می‌نویسد: «از نظر من، مورد انتحال استادتمام دانشگاه تهران فاقد کوچک‌ترین اهمیت است. بر عکس: بحث بر سر نظام دانشگاهی است که اجازه داده است چنین افراد و گروه‌هایی، که از تعهد آنان جز تفنن باقی نمانده، نظام دانشگاهی را به تیول خود تبدیل کنند! آنچه در فصل‌های این دفتر می‌آورد مجموعه‌ای از یادداشت‌هایی است که در سه چهار سال اخیر به مناسبت‌های متفاوت نوشته و برخی از آنها را منتشر کرده‌ام.» طباطبایی با این مقدمه دفتری را می‌گشاید که سراسر آن نقد بی‌رحمانه علیه متفکران و مترجمان و نویسندگان و استادانی است که در آثار و آراء خود اشتباهات فراوانی راه داده‌اند. دفتری که پیش از این مفردات آن نیز در مجلاتی که طباطبایی به آنها مقاله می‌دهد منتشر شده بود. با این حال فصول اول و دوم کتاب حاضر نمتها تاکنون در هیچ مجله‌ای بدین‌شکل منتشر نشده است، بلکه حاوی نقادانه‌ترین مواجعه با وضع کنونی علوم انسانی در ایران از منظر ملی‌گرایانه است.



ملاحظات درباره دانشگاه جواد طباطبایی انتشارات مینوی خرد/۱۳۹۸ ۸۵۰۰۰ تومان

باشگاه روشنفکران

استراتژی سکوت در قرارداد مدینه

سیره سیاسی پیامبر اعظم(ص) / ۱۶



داوود فیرحی استاد علوم سیاسی دانشگاه تهران

در قسمت قبل به بندهای مربوط به یهودیان در قرارداد مدینه اشاره کردیم و گفتیم «بستگان» یکی از واژه‌های مهم در این قرارداد است. بستگان در واقع ترجمه کلمه موالی است که از ریشه مولی می‌آید و در این تعبیر موالی کسانی بودند که پیمان دوستی با قبایل برقرار می‌کردند و هر چند عضو اصلی قبیله حساب نمی‌شدند اما این پیمان برای هر دو طرف سود داشت. پس وقتی قرارداد مدینه قوم یهود خودشان و وابستگان را خطاب قرار می‌دهد مقصود این است که اگر قوم یهود قرارداد خود را با موالی قطع می‌کرد، قرارداد موالی با مسلمانان نیز قطع می‌شد. اما چرا این جزئیات برای ما مهم است؟ به این دلیل که نشان می‌دهد شهر (مدینه)، شهری متکثر است و بازنحیردای از قراردادهای هم متصل شده است. این نکته را هم باید یادآوری کرد که این صحیفه پیامبر فرمان نیست بلکه پیش‌نویس قرارداد دارد و همه ملزم هستند آن را بپذیرند، اما پیش‌نویس قرارداد به اعتبار رضایت طرفین معتبر است. پس وقتی که ما از بنی‌عوف صحبت می‌کنیم، این قبیله‌برترین قبیله شناخته‌شده یهود است که به نوعی نماینده رضایت یهود است. قبل از اسلام هم همین قبیله عوف بود که با اوس و خزرج قرارداد بست یا قراردادهای می‌شکست و به نوعی حالت وتو داشت چون اگر او قراردادی را می‌شکست سایر قبایل یهود هم باید این کار را می‌کردند. همان‌طور که گفتیم در قرارداد مدینه آمده است که یهود خود و بستگانش جز و امت مدینه محسوب می‌شوند و قرارداد در ادامه می‌گوید: «دین یهود از آن ایشان و دین مسلمانان از آن مسلمانان است». در اینجا همان‌طور که می‌بینید اشاره نشده است که هیچ‌کس دین خودش را تبلیغ نکند، اما می‌بینید که هیچ‌کس هم حق ندارد دین کس دیگری را رد کند؛ در اینجا مفهومی به نام استراتژی سکوت در قرارداد لازم‌التوضیح می‌شود. این استراتژی به این معناست که در قراردادهای هم‌خاطر اینکه قرارداد به هم نخورد، راجع به بعضی از مفاهیم بزرگ سکوت می‌کنند و مثلاً نمی‌گویند این حالت حق است یا آن حالت حق است، بلکه هر کس برای خودش حق است. در واقع در اینجا هم می‌بینیم که کسی حق نداشت علیه یهود تبلیغ کند و همچنین هم یهود چنان حقی را علیه مسلمانان نداشت. علاوه بر این نظریه سکوت دو وجه دارد؛ یکی از لحاظ ایجابی است که هیچ‌کس خود را بر دیگری ترجیح نمی‌دهد و تحمیل نمی‌کند و دیگری اینکه حق ندارد مزاحم کسی باشد. یعنی خود قوم یهود این‌ها را خودشان را داشتند و در مقابل، مسلمانان هم این‌ها را خود را. امروز هم می‌بینیم این سنت در بعضی کشورهای از جمله لبنان و مالزی مانده است؛ در لبنان شیعه و سنی و مسیحیان مارونی وجود دارند و جالب این است که همه تعطیلی‌ها را دولت، تعطیلی مربوط به ادیان تعریف کرده است، برای مثال عید قربان برای مسلمانان تعطیل است و کریسمس برای مسیحیان. بزرگترین عیدها را تعطیلی مشترک حساب کرده‌اند اما عیدهای کوچک را فقط همان برای مسلمانان جزو مرخصی با کسر مرخصی حساب نمی‌شود و آن‌ها حق دارند ۵ ساعت را به دین خود بپردازند.

قرارداد و تکرر دینی در مدینه

پس می‌بینیم که تکرر دینی بسیار مهمی در مدینه وجود داشت که هیچ‌کس مجبور نبود دین دیگری را بپذیرد یا رد کند. در ادامه می‌بینیم که خود متسن می‌گوید مگر اینکه کسی پیمان‌شکنی کند یا گناه کند که اگر گناه کند خود را تباه کرده و اگر از پیمان خارج شود خانواده و خودش را تباه کرده است. مانند فردی که ملیت نداشته باشد و در هیچ شبکه‌ای ننگنجد. همان‌طور که می‌بینید قرارداد مدینه جزو قراردادهای تکررگراست که از فرمولی پیروی می‌کند و قواعدی را تولید می‌کند که الزام‌آور هستند و این قواعد فرمول زیر را دارند: قواعد مورد توافق همه طرف‌ها منتهای آنچه مغایر ارزش‌های اساسی هر طرف قرارداد است. یعنی همه توافقی می‌کنند اما این توافق نمی‌تواند به ضرر ارزش‌های یکی از اصحاب قرارداد باشد یعنی نمی‌تواند قراردادی انجام دهند که خلاف باورهای مسلمانان یا یهودیان باشد. نتیجه این قرارداد تفکیک کردن قواعد بین جماعت‌ها از قواعد داخل جماعت‌هاست. قواعد بین جماعت‌ها کم و همگانی هستند اما قواعد داخل جماعت‌ها زیاد و مختص به خودشان است.